



صدور ویزا برای یک سفیر از معقولات حاکمیت

کشورهاست. ایران هم با صادر کردن ویزا به برخی سفرا دیپلمات‌ها موفقیت نکرده است. بنابراین با موافقت اوپاما برای عدم صدور ویزا به ابوظابلی، مساله خاص و حادی صورت نگرفته است و ایران هم طبق روال همیشگی دیپلماسی باید سفیر دیگری را به سازمان ملل معرفی کند. اسما از زاویه دیگر باید تاکید کرد که اقدام اوپاما چند وجه دارد: اوپاسا به مردم آمریکا پیام داد که در کنار ملت خود قیصر دارد و نگرانی ملی از گروگانگیری در ایران را درک می‌کند. نباید فراموش کرد که سند چشم‌انداز ۲۰ساله تاکید دارد که باید با تمام دنیا ارتباط برقرار کرد. از سوی دیگر وقتی به‌دنبال بهبود شرایط اقتصادی هستیم این هدف جز با داشتن رابطه با دنیا ممکن نیست، پس مخالفان و تندروهای داخلی بلدند اگر دولت با غرب ارتباط برقرار نکند نه سند چشم‌انداز محقق می‌شود و نه می‌توانیم در اقتصاد موفق عمل کنیم.

جمهوری اسلامی

سر مقاله: «پیامدهای ناهمگنی گروه اقتصادی دولت»

ناهمگنی‌ها و تشتت در تصمیم‌گیری‌های دولت در حوزه اقتصاد به وضعیت نگران‌کننده‌ای رسیده است. این نگرانی به حدی است که ناظران و تحلیلگران را به این نتیجه رسانده که در صورت تداوم این روند، دولت یازدهم هم مانند سلف خود، گرفتار ماریج تصمیمات متناقض و سیاست‌های یک‌شبه مستمر در بخش اقتصاد شود.. به نظر می‌رسد دو مدیر کلیدی دولت در حوزه اقتصاد، یعنی رئیس کل بانک مرکزی و وزیر اقتصاد، در اوج ناهمگنی با یکدیگر قرار دارند. آن‌ای تیم اقتصادی دولت نمی‌توانست تاثیر تصمیماتی مانند وضع عوارض بر صادرات سنگ آهن، افزایش قیمت خوراک پتروشیمی‌ها و بالا رفتن قیمت حامل‌های انرژی بر حاشیه سود صنایع مهم بوسری را بسنجد تا بازار سرمایه کشور اینچنین از همه طرف مورد تهدید قرار نگیرد؟

وقت امروز

سر مقاله: «جور دیگر باید دید؛» حسام‌الدین برومند
هدف حریف در شرایط فعلی از سروصدا و جنجال علیه ایران با کوک‌کردن سواز «تروریسم» و «حقوق بشر» چیست؟ پاسخ پیچیده نیست و بخشی از بازی به مساله جاب‌خواهی طرف غربی در مذاکرات هسته‌ای برای توقف جامع بازمی‌گردد. تائکید آنها این است که باید گفت تحریم‌های هسته‌ای، شرایط‌های غیرهسته‌ای پیش بکشند و به عبارت دیگر، پرونده هسته‌ای بهانه است و در مواجهه با ایران اسلامی، بستر را برای موضوعات دیگری مانند اتهام توهانی تروریسم، پرونده‌سازی حقوق‌بشری و چانه‌زنی برای توافمندی مذهبی ایران آماده نگه می‌دارند. حال برای این‌شود به دو نگاه و دروغگوها که از فضا هفت‌تیر هم می‌کنند، لیخند؟ و همه‌چیز را حمل بر صحت کرد؟ یا چشم‌ها را باید شست و جور دیگر باید دید؟

کیم

سر مقاله: «پای کار اصولگرایی؛» محمد ایمانی
از هر زاویه که به ماجرای تهدیدها و فشارها و مضیقه‌ها بنگریم، غلبه بر این دشواری‌ها نیازمند مصالحت‌جویی است. قایلان به اصولگرایی در این میان مسوولیتی بزرگ بر دوش دارند. باید فراتر از بردوخت‌های رایج سیاسی، به منطقی استوار تر تکیه داد که بتواند راه برون‌رفت از دشواری‌ها و تنگناها را تضمین کند؛ البته اگر باید از جایی شروع کرد و این ضعف‌ها را برطرف ساخت، تا نقطه عزیمت، در اصلاح تلقی نسبت به خود، جامعه و سیاست و تهدیدها و فرصت‌هاست افراطیون و فتنه‌گران هم‌چپه با آنان بدشان نمی‌آید که افکار عمومی را همواره سیاست‌زده و انتخابات‌زده در التهاب دو قطبی‌های جعلی و گمراه‌کننده نگه دارد. این میان ضرورتی که به مصالحت‌اصولگرایی نزدیک‌تر است، برهیزر از ورود بی‌هنگام در این سرگرمی‌های فرصت‌سوز و جنجال‌های بی‌محتوای پیرامونی آن است. قبل از هر چیز باید به قدرت نهفته در «اسرامن» (ساماندهی و انسجام) و «پیام» (رسانه) اندیشید و با برهیزر از کارهای نمایشی پرسروصدا اما کمپاهی، این سازماندهی و پیام‌سازی و پیام‌رسانی را عملیاتی کرد.

شهرزد

سر مقاله «از قضا سرکنگبین صفرا فرود!»

اکنون هم نمایندگان مجلس با غیرقانونی کردن عمل واکتومی و توپکتومی، گمان می‌کنند که می‌توانند مانع مهمی را از سر راه رشد جمعیت بردارند، آن‌هم در جامعه‌ای که چندروز پیش یک پدر، دو کودک یک‌ساله خود را به‌دلیل مشکلات زنده‌یوگور کرده است. یک مشکل این طرح این است که عمل عقیم کردن از گذشته غیرقانونی بوده است. ولی این دو عمل مصداقی عقیم کردن محسوب نمی‌شوند؛ زیرا به‌لحاظ علمی با گشت‌پذیر هستند.بنابراین معلوم نیست که نمایندگان به چه دلیلی می‌خواهند حق انتخاب مردم را بر بدن خودشان از آنها سلب کنند؟ به علاوه مگر اکنون که سقط‌جنین غیرقانونی است، کاری از دست این قانون برای افزایش جمعیت برآمده و مانع سقط‌جنین‌های زیاد شده است؟ مشکلات و مسایل اجتماعی را با محدودکردن قدرت انتخاب مردم، نمی‌توان حل کرد. سیاست‌گذاران باید قدرت انتخاب و منافع حاصل از یک خواسته را بیشتر کنند تا مردم آگاهانه و بر حسب نیاز خود آن را بپذیری کنند، همچنان که در زمان افزایش جمعیت مردم چنین انتخابی داشتند. مردم اگر چیزی را نخواهند، راه‌های دوزرن آن را پیدا می‌کنند، حتی اگر این راه‌ا پر هزینه و برای جامعه نیز عوارض زیادی داشته باشند.

ا اگر موافق باشید گفت‌وگو را با نقدی که بعدا به دولت خاتمی شد آغاز کنیم. **خاطرم هست** که گفته می‌شد با وجود اینکه دولت آقای خاتمی در پو ترو شعار توسعه سیاسی توانسته بود به یک ثبات اقتصادی برسد اما نتوانست به زبان مردم این رویکرد را توضیح بدهد. در واقع گفته می‌شد خاتمی نتوانست مفهوم دموکراسی را با سفره مردم گره بزند. شاید نتوان این عنوان را دقیقاً در مورد دولت فعلی هم به کار برد اما به زبانی این دولت هم درگیر چنین مسالهای شده است یعنی توان سخن گفتن به زبان توده مردم، به‌هرحال دولتی که او تحویل گرفت در وضعی بود که ایشان اخیراً لفظ «آواربرداری را درباره آن به کار برده است. این آواربرداری تا کسی و کجا ادامه دارد؟ و چگونه می‌توان مردمی که برای «تغییر» عجله دارند را در این خصوص مجاب کرد؟ در آمریکا اگر رئیس‌جمهوری انتخاب شود

و سر کار بیاید اما کمبودها، مشکلات و بحران‌ها را بر گردن دولت قبلی بیندازد مردم می‌گویند شما را انتخاب نکردیم که کاستی‌ها و کمبودها را بگویید، انتخلیاتن کردیم تا آنها را حل کنید اما در مقطع انتخابات و ابتدای دولت آنچه را تحویل گرفته‌اند، روشن و شفاف از طریق رسانه‌ها در حوزه‌های مختلف با مردم در میان می‌گذارند. از بخشی زیرساختی گرفته تا کشاورزی، خدمات، صنعت، حوزه‌های مالی، ملی و... اما آقای روحانی این کار را نکرد. **دولت یکی دو گزارش همان ابتدا داد و آقای روحانی و دولتمردان هم در برخی صحبت‌ها و سخنرانی‌ها اشاره‌های مستقیم و غیرمستقیمی به وضع دولتی که به آنها تحویل داده شد، داشتند.**

ننه. آنها کافی نبود. گزارش‌ها هم در حد کلیات بود. دولت و آقای روحانی در همان یکی، دو ماه اول فرصت تشریح آنچه تحویل گرفته‌اند را از دست دادند و تنها توانستند بخش بسیار ناچیزی از وضعیت بحرانی را که تحویل گرفتند منعکس کنند. در کشورهای پیشرفته در دوره انتخابات و اول دولت برای مردم با عدد و رقم، خیلی شفاف، روشن می‌کنند که چه تحویل گرفتند تا در سال‌های بعد بتوانند بگویند که به کجا رسیدند و چه مواردی را حل کردند و چه مواردی را نتوانستند حل کنند و چه گام‌های جدیدی در آن توسعه برداشته شده که قبلاً برداشته نشده بوده است. بنابراین دیگر از ماه سوم به بعد مردم انتظارشان این است که با این مشکلات و بحران‌ها چه باید کرد؟

ا چه مواردی است که آقای روحانی باید مطرح می‌کرده و نکرده و همان مسایل الان دولت را به شدت در تنگنای آن قرار داده است؟

یکی از مواردی که باید گفته می‌شد و نشد، مساله حجیم‌کردن دولت بود. آقای‌احمدی‌نژاد در همه گزارش‌های خود به مردم گفت که ما دولت را کوچک کردیم اما بودجه جاری مملکت در طسی این مدت از ۲۳هزارمیلیارد به بالای صد‌هزارمیلیاردتومان رسید در حالی که در آن هشت‌سال میانگین حقوق و دستمزد شش درصدافزایش یافته است. تنها در سالی که افزایش قیمت‌ها به بیش از ۸۰درصد رسید - یعنی سال ۹۲ - دولت میزان افزایش حقوق و دستمزد را به ۲۵درصد رساند. امسال هم همین مقدار افزایش یافته است. بنابراین اگر دولت کوچک شده بود نباید هزینه‌های جاری از دوبرابر سال ۸۴ بیشتر می‌شد؛ یعنی هزینه‌های جاری دولت نه‌تایا باید به ۴۶هزارتومان می‌رسید. این یعنی دولت حجیم شده است. فجایعی که در دولت «احمدی‌نژاد» پیش آمد حرف ما نیست، حرف اصولگرایی است که از «احمدی‌نژاد» حمایت کردند و قبل از آن کشفش کردند و وی را روی کار آوردند و بعد متوجه شدند که بیراهه می‌رود. بودیوعات در جریان آمار و ارقامی که مرکز پژوهش‌های مجلس اصولگرا ارائه می‌کرد، هستند. آقای «زنگنه» وزیری است که وزارت نفت را به آقای‌احمدی‌نژاد، تحویل داد و بعد از هشت سال مجدداً تحویل گرفت. این ملاک خوبی است برای کل دولت. او می‌گوید وزارت نفت را من با ۱۰ هزارتنر تحویل دادم و الان با ۳۰هزارتنر تحویل گرفتم.

ا نزدیک سه برابر؟

آن‌هم چه سه برابر؟ با چه کیفیتی؟ اکثر نیروهای کارشناسی مجرب و مدیران موفق نفت خارج شده‌اند. یعنی به لحاظ مدیریتی و کارشناسی هم افت کرده است. فاجعه این بخش است. یک اداره هم در سطح تهران مثال می‌زنم. شرکت شهرک‌های صنعتی استان تهران در زمانی که تحویل دولت «احمدی‌نژاد» داده شد ۱۲۰ نفر پرسنل داشت، الان نزدیک به ۵۲۰ نفر پرسنل دارد. این سبک، مدیریت کشور را با بحران‌های بزرگ تا دهه‌های آینده رویه‌رو می‌کند. اینها مواردی است که به نظر من دولت اصلا رویش بحث نکرده است. عملکرد آقای احمدی‌نژاد باعث شد که دولت ناگزیر باشد بخش عمده‌ای از منابعی که از نفت و مالیات و حذف یارانه‌ها به دست می‌آورد، صرف هزینه‌های جاری کند. این یکی از مسایلی است که باید روی آثار سوء آن در توسعه صنعت، صادرات و بخش کشاورزی و زیرساخت‌ها در قالب یک مطالعه جامع کار شود. یکی از مسایل دیگر که مطرح شد اما عمق فاجعه هنوز شگافته نشده، مساله نقدینگی است. «احمدی‌نژاد» دولت را با ۶۷هزارمیلیاردتومان نقدینگی تحویل گرفت. در نیمه دوم سال ۹۲ این نقدینگی به ۵۵۰هزارمیلیاردتومان رسید، یعنی هشت برابرش. آثار و تبعات این عمل یکی کاهش ارزش پول ملی و دوم تورم است. بخشی از این تورم، پنهان است که به مرور خودش را بروز می‌دهد و نتیجه آن ضربه سنگین به تولید است. ما دیگر نمی‌توانیم با کالی خارجی رقابت کنیم. درست

سیاست

احمد خرم، وزیر راه دولت اصلاحات در گفت‌وگو با «شرق»:

احمدی‌نژاد اسناد هزینه ۸۰۰میلیارد دلار را به مردم ارایه دهد



مهسا جزینی

«احمد خرم» روزگاری وزیر راه دولت خاتمی بود و حالا عضو غیرموظف هیات‌مدیره سازمان منطقه آزاد چابهار. با او در دفترش در خیابان ولیعصر به گفت‌وگو نشستیم. او فارغ‌التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران است. تصویر مدرک تحصیلی‌اش قلاب شده بر دیوار دفتر کارش خوندنمایی می‌کند. خرم بیشتر مرد اقتصاد و تحلیل است تا سیاست صرف و نگاهش به سیاست هم بر همین میناست. برای همین با عدد و رقم و تحلیل با ما سخن می‌گوید. با او از وخامت حال دولتی گفتیم که «روحانی» تحویل گرفت در حالی که به قول او «روحانی» نتوانست آن طور که باید از وضع و حال موجود با مردم بگوید. البته معتقد است، «الان وقت گفتن از گذشته نیست، دولت باید به حل بحران‌ها بپردازد اما اطلاعات را باید به رسانه‌ها و «ان.جی.اوها» برساند و گفتن را به آنها وانهد.»

است حجم پول در گردش بیشتر شده اما در کنارش به رکود دامن زده است این رکود هنوز باز نشده است. هنوز نقش تورم ناشی از افزایش نقدینگی برای مردم باز نشده است. یک اشکال دولت آقای «روحانی» این است که بحران‌ها و مشکلات و مسایلی که در این هشت سال درست شده است را به زبان کارشناسی برای مردم گفته نه به زبان عامه‌فهم.

ا ادامه سکوم و اجزای مرحله دوم هدف‌مندی یارانه‌ها احتمالاً باعث گلابه و شکایت‌هایی می‌شود. مخالفان دولت و تندروها و طرفداران «احمدی‌نژاد» هم به این فضا دامن می‌زنند

اگر شما به زبان کارشناسی با مردم صحبت کردید کارشناس می‌فهمد اما ممکن است مردم متوجه نشوند چه اتفاقی افتاده است. باید به مردم گفت که نقدینگی تورم را دامن زده و مثالی برای او بیاورید که در زندگی‌اش لمس کند، مثلاً بگویید این افزایش نقدینگی و واردات بی‌رویه باعث ضربه‌خوردن به تولید داخلی و کاهش اشتغال شده است. در هر خانه دو یا سه جوان بیکار داریم همان‌طور که آقای «احمدی‌نژاد» با دستکاری اطلاعات، آمارسازی می‌کرد و مساله را طور دیگری جلوه می‌داد باید با دادن اطلاعات صحیح و دقیق به مردم، آن فضای ذهنی را اصلاح کرد.

ا یعنی به نظر شما دولت باید با مردم شفاف‌تر سخن بگوید؟

دولت باید آمار واقعی را به مردم بگوید. «احمدی‌نژاد» به مرکز آمار ایران اعلام کرد رقم واقعی نرخ بیکاری را اعلام نکند. به نظر من رسالت اصلی الان بر دوش نتخبگان جامعه است که اطلاعات را در اختیار ارباب رسانه قرار دهند. رسانه «ملی» که کاری در این زمینه انجام نمی‌دهد. باید از سایر رسانه‌ها که در دست آحاد جامعه است، استفاده و برای مردم وضعیت را روشن کرد. البته به نظر من دولت باید در دو ماه اول حرف‌هایش را می‌زد. در مورد مسکن «مهر»، برای ساخت دومیلیون و ۱۵۰هزار تا دومیلیون و ۳۰۰هزار واحد، ۴۲هزارمیلیاردتومان از منابع سپرده بانک‌های عمل زدن بانک مرکزی برداشت شده است؛ یعنی این رقم جزو بدهی دولت محسوب می‌شود. آن هم درمکان مناسب که آب، برق و دسترسی مناسب وجود ندارد و زیرساخت‌ها کافی نیست. در طول هشت سال ساخت دومیلیون و ۳۰۰هزار واحد شروع شده و تمام نشده و تا چهار، پنج‌سال دیگر هم مسکن مهر همچنان دولت است. این رقم دومیلیون و ۳۰۰هزار واحد یعنی سالی ۲۸۰هزار واحد. در سال ۸۳ تولید واحدهای مسکونی ۸۰۰هزار واحد بود. خود دولت گفته اگر سالانه یک میلیون واحد مسکونی تولید کنیم ظرف ۱۰ سال می‌توانیم عطش مسکن را کاهش دهیم. پروژه مسکن «مهر» خیلی بهتر و گسترده‌تر از این قابل اجرا بود. اگر دولت قبلی همین رقمی را که صرف مسکن مهر شده بود در سیستم بانکی سپرده می‌کرد، تا سه برابر سیره می‌کرد، تا سه برابر آن می‌توانست تسهیلات به سازندگان و خریداران مسکن بدهد. یعنی هم پول دولت سوخت نمی‌شد و هم آنچه می‌خواست به‌عنوان «سوپسید» به متقاضیان مسکن پرداخت کند را می‌توانست پرداخت کند. مسکن مهر کار خوبی است اما از شیوه درستش خارج شده‌است. الان هم راهکار مسکن مهر این است که وام خرید و وام ساخت جدا شود. در هشت سال دولت آقای احمدی‌نژاد ما ۸۰۰میلیارد دلار از نفت و فرآورده‌های ناشی از آن درآمد داشتیم. از این رقم ۱۴میلیاردش را در مسکن سرمایه‌گذاری کرده است. ملت نباید بگویند شق القمر کرده، باید ببینند بقیه را چه کرده‌است؟ در عرصه توسعه جامعه، بیش از صدمیلیارد دلار هزینه نشده است.

سال ۹۳، سال چرخشی اساسی در کشور است. قبلاً در دولت آقای «احمدی‌نژاد» به جز از محل بودجه جاری، برای پرداخت یارانه نقدی سالانه ۱۵ تا ۱۷هزارمیلیارد تومان هم از بودجه عمرانی زده می‌شد و دولت یارانه نقدی می‌داد. در حالی که در مرحله دوم هدف‌مندی، دولت دیگر بودجه عمرانی را صرف یارانه نمی‌کند بلکه تازه آن را تقویت می‌کند و این یارانه به زیرساخت‌ها، صنعت و کشاورزی تعلق می‌گیرد و نقدی پرداخت نمی‌شود

طی چندسسال قطعه‌نامه‌های شورای امنیت و همچنین تحریم‌های یک و چندجانبه‌از سوی برخی کشورها علیه ما اعمال شده است. اینها هم فاکر کنیم در چندماه به حالت اول بازمی‌گردیم تصور غلطی است. برگشتن به حالت عادی سه، چهار سال –حداقل– طول می‌کشد. دوم اینکه غرب خواسته‌های دارد و منطق با آن تحقق خواسته‌ها، تحریم‌ها را حذف می‌کند. من معتقدم که دولت نباید همه تخم‌مرغ‌هایش را در سبد رفع تحریم‌های خارجی بگذارد. بسیاری از کارها را در

داخل می‌توان انجام داد. دولت راهکار روشن دارد. من نمونه همین مسکن مهر را عرض می‌کنم. اصلاحات نیست که دولت از منابع خودش برای تکمیل آن هزینه کند. دولت می‌تواند مثلاً چهار هزارمیلیاردتومان برای این بخش تصویب و آن را در سیستم بانکی سپرده کند و تا سه برابر تسهیلات به مسکن مهر بدهد. اگر این کار بشود، هم پول دولت سوخت نمی‌شود و هم پول پروژه تامین می‌شود. با آن سوئی، سهم آورده متقاضی هم هست که ما آن اضافه می‌شود. به نظر من دولت در «اقتصاد خرد» می‌تواند اقداماتی انجام بدهد که تاثیر ناچیزی روی تورم یا دیگر فاکتورهای اقتصاد کلان می‌گذارد ولی در جامعه تحول و امید ایجاد می‌کند. ما مجورهای دیگری هم داریم که اگر فعال شود آثار آن را در جامعه خواهید دید. در صورت انجام این اقدامات من قطعی می‌دانم که در شرایطی که ما تقریباً در هر خاورا به‌طور میانگین دو جوان بیکار داریم، حداقل یکی از آنها می‌تواند سر کار برود. تحریم‌ها اگر حل شود تحول عظیمی در جامعه رخ می‌دهد. اما باید مینا را در برنامه‌ریزی روی وضعیت بحرانی گذاشت. به نظر من حداقل ۱۰ محور اساسی در فعالیت‌های زیربنایی، اقتصادی، کشاورزی و خدمات و صنعت و معین وجود



● ایستنا: آیت‌الله محی‌الدین حائری‌شیرازی نامهای خطاب به میرحسین موسوی و مهدی کروبی منتشر کرد. عضو مجلس خبرگان رهبری در این نامه نوشته است: حضور برادران ارجمند جناب آقای مهندس میرحسین موسوی و حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی کروبی(وفقه‌الله‌طاعته) سلام علیکم. بنده فکر می‌کنم که باور شما در آنچه می‌کنید خدمت به اسلام و انسانیت در راه آزادی و کرامت انسانی است. آنکه در زاهدان با عملیات انتحاری مرحوم سردار شوشتری و ۴۰همرزمش را شهید کرد و عفر از ایشان را مجروح نمود، نیز قصدش جز خدمت به اسلام و مسلمین و نیل به درجات عالیه در بهشت برین چیز دیگری نبوده است. دعوت مردم به آمنن در خیابان میوه‌ای است که در دامن آمریکا و اسرائیل افتاده و با اصرار بر مشی گذشته باز هم خواهد افتاد. آنچه در مصر و اخیراً در اوکراین واقع شد، نمونه روشن آن است. لطف خدا بود که قضیه جمع شد. در انجیل برنابا آمده است که عیسی بن‌مریم علیه‌السلام الیلس را تبلیغ نمود که توبه کند الیلس پرسید چگونه توبه کنم و عیسی نیز از خداوند پرسید و خداوند فرمود: «یک کلمه بگوید بد کردم پشیمانم» عیسی(ع) مطلب را به اطلاع الیلس رساند و الیلس در پاسخ گفت: چرا من بگویم! چرا خدا نکوید بد کردم پشیمانم! برادران! در پرونده شما خدمات بزرگی به اسلام و انقلاب را می‌توان مشاهده کرد. اگر این نفسی را در خوبی‌های دیگر خود بیفزایید که «وما ابری» نفسی ان النفس لاماره بالسوء! ما رجم ربی ان ربی غفور رحیم» چه اشکال دارد!... ببینید با عمل به لوازم نیایش‌های خالصانه این افتخار بزرگ را برای خود در دنیا و عقبی حفظ فرمایید. امام راهی وقتی مصلحت اسلام و انقلاب و مردم را در قبول نظریه دید فرمود: من بوم در کفتم تا آخرین نفر و تا آخرین قطره خون خواهیم جنگید، امروز می‌گوییم صلح با صدام را می‌پذیرم و این صلح تاکتیکی نیست. من این جام کشنده‌تر از زهر را سر می‌کنم و مسوولیت این کار را شخصاً قبول می‌کنم. دیدید حرمت امام در بین مردم بیش از پیش شد. چون مردم طرفدار مظلوم هستند و چون امام را مظلوم دیدند محرومشان شد. شما می‌فرمودید انتخابات باید منحل شود در جواب گفتند هر چه که قانون انتخابات بگوید و این کار را به عهده هرکس که گذاشتند، شما نپذیرفتید!ا و به مردم گفتید از آرایتان دفاع کنید!ا و خیابان‌ها بریزید!ا در بیست‌ودوم بهمن ۵۷ امام به مردم گفت به خیابان‌ها بیاوید و حکومت نظامی شاه را برچینید و مردم آن روز به خیابان آمدن را اعصاب به حبل الله دیدند. لذا همگی آمدند و انقلاب پیروز شد. وقتی پس از انتخابات ۸۸ مردم را به آمنن در خیابان‌ها دعوت کردید نه شما در موضع امام راحل بودید و نه نظام در جایگاه شاه و ساواک و آمریکا و اسرائیل! خبلی‌ها با پافشاری بر امر باطلی از دنیا رفتند و حتی بعد از مرگشان هم تاکنون خوشنام ماندند! و شاید مردمی هم آرزو دارند در قیامت همنشین ایشان باشند اما چیزی جز جایگاه عذاب نصیب ایشان نخواهد بود. شما این مطلب را با جان و دل قبول دارید باید از این محبوبیت‌های پس از مرگ ولو چندین‌هزار ساله، به خدا پناه برد! اما همیشه می‌فرمود وقتی پای انجام وظیفه به میان بیاید، من با مردم کار ندارم. من با تاریخ کار ندارم. من بین خود و خدای خود تعهدی دارم که بدان عمل می‌کنم. گروهی، مردم را به خیابان‌ها کشاندند و نظام برای حفظ مصلحت، ایشان را محاکمه نکرد، گرچه کارشان را به‌شدت محکوم کرد. حال اگر نظام حرف خود را پس بگیرد تا آنها قهرمان شوند، پس از این، نظام نسبت به موارد مشابه جز آنکه سر تسلیم فرود آورد چه می‌تواند بکند؟ نظام ناچار است در موضع «ان عدتم عندا» باشد. خداوند هم می‌فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی ینغیروا ما ینفسم» تسلیم نظام بر زور و زور و عقیشینی، نظام را به رانشینیم سیاسی یا نرمی استخوان سیاسی می‌کشاند. رفع حصر خلگی در شرایط اصرار بر مواضع قبلی عیناًمانند قبول اطال انتخابات بدون مجوز قانونی است و معنی آن این است که نظام حکم به نفی خود نموده است و از هیچ نظامی نمی‌توان چنین انتظاری را طلب کرد. با ادامه اصرار شما بر مواضع قبلی، فتنه انتخابات ۸۸ آتش زبر خاکستر خواهد ماند و نظام نسبت به آن نمی‌تواند بی‌تفاوت بماند. جمع‌شدن فتنه، خاموش‌شدن مشعل است و خاموش‌شدن مشعل غیاز خاموشی شمع است. پذیرش خطا از طرف شما، شمعک را خاموش خواهد کرد. آب‌پاش مصرند که این شمعک روشن بماند تا در زمان مقتضی مشعل را با آن روشن کنند، اصرار شما همان روشن نگه‌داشتن شمعک است و پذیرش خطا، خاموش‌کردن آن؛ اینک این کار بزرگ فقط و فقط از دست شما برمی‌آید. پس از اجر عظیم آن نیز غافل نشوید. اجنب به پس از مرگ شما می‌اندیشند که بیش از زمان حیاتان تا شما پرهیزد!ا شما به چنین کاری راضی نشوید. عدم تمکین به قانون کار خوبی نبود! کشاندن مردم به خیابان‌ها درست نبود! بهتر آن بود که مردم را به آرامش دعوت می‌کردید و به مردم می‌گفتید، ناقرمائی نکنید تا از طرق قانونی به حقوق خود و شما دست یابیم. در این صورت مردم آرام می‌شدند و شما قیامت پیدا می‌کردید تا در آرامش قیامت را کشف کنید. ملاحظه فرمودید که طرف مقابل شما سال‌ها به تبلیغاتی خود توانسته رای مردم را به دست آورد، لذا بحث بر سر شیوه تبلیغات به غیاز بحث بر سر جابه‌جاکردن میلیون‌ا را است! عزیزان! تبعیت از حجت باطنی عجل همان تبعیت از خداوند تعال است و مخالفت با حجت باطنی، مخالفت با خداست. «ما اصلح ما ینه و ینین ربه اصلح الله ما ینه و ینین خلقه» خداوند بارتعالی که ابتدای عمر شریفشان را نورانی قرار داده، انتهای آن را نیز نورانی قرار دهد.

و السلام علیکم ورحمه‌الله و بر کاته محی‌الدین حائری‌شیرازی